

# عقب نشینی اسرائیل در برابر ایران و حزب الله

ایستادگی ایران جواب داد؛ ترامپ و اسرائیل  
مجبور به پذیرش آتش بس در لبنان شدند





## تاب‌آوری در جنگ؛ صنعت کشور اقتصاد را سربالنگه داشت

در میانه تنش‌های نظامی و آسیب به زیرساخت‌ها، آنچه بیش از هر چیز در اقتصاد ایران خودنمایی کرد، توقف نبود، بلکه تداوم تولید بود. روایتی از صنعتی که زیر فشار جنگ، نه تنها فرو نریخت، بلکه با تکیه بر مدیریت بحران و همتستگی، نقش ستون فقرات اقتصاد را حفظ کرد.

در شرایطی که هرگونه درگیری نظامی می‌تواند به سرعت به فروپاشی زنجیره‌های تولید و اختلال در عرضه کالاها ی اساسی منجر شود، تجربه اخیر اقتصاد ایران تصویر متفاوتی ارائه می‌دهد: تصویری که در آن، بخش صنعت نه تنها دچار توقف کامل نشد، بلکه در بسیاری موارد با سازوکارهای درون‌زا، خود را با شرایط جنگی تطبیق داد. این پدیده را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین نمودهای «تاب‌آوری اقتصادی» در سال‌های اخیر مورد تحلیل قرار داد.

برخلاف الگوهای رایج در اقتصاد جنگ که در آن‌ها تولید به شدت افت می‌کند و بازارها با کمبودهای جدی مواجه می‌شوند، در ایران شاهد نوعی پایداری نسبی در عرضه کالاها ی حیاتی بودیم. این مسئله نشان می‌دهد که ساختار صنعتی کشور، با وجود تمام ضعف‌ها، به سطحی از انعطاف‌پذیری رسیده که می‌تواند در شرایط بحران نیز به فعالیت خود ادامه دهد.

### دوگانه خسارت؛ از تخریب مستقیم تا اختلال پنهان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره، ماهیت دوگانه آسیب‌هایی بود که به واحدهای تولیدی وارد شد. بخشی از این خسارات، ناشی از اصابت مستقیم به واحدهای صنعتی بود که در برخی موارد به تخریب کامل یا کاهش شدید ظرفیت تولید انجامید. اما در کنار این آسیب‌های مشهود، نوع دیگری از خسارت نیز وجود داشت که کمتر در کانون توجه قرار گرفت؛ اختلال در زیرساخت‌های حیاتی.

قطع یا نوسان در تأمین برق و گاز، آسیب به خطوط انتقال و حتی اختلال در شبکه‌های حمل‌ونقل، از جمله عواملی بودند که می‌توانستند بدون تخریب فیزیکی، روند تولید را مختل کنند. در این میان، سرعت عمل نهادهای خدماتی برای بازگرداندن این زیرساخت‌ها به مدار، نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از توقف گسترده تولید ایفا کرد.

این تجربه نشان داد که در اقتصادهای مدرن، زیرساخت‌ها به اندازه خود واحدهای تولیدی اهمیت دارند. به بیان دیگر، حتی اگر کارخانه‌ای سالم بماند، بدون دسترسی پایدار به انرژی و لجستیک، عملاً قادر به ادامه فعالیت نخواهد بود. بنابراین، یکی از درس‌های کلیدی این دوره، ضرورت سرما ی گذاری بیشتر در تاب‌آوری زیرساخت‌هاست.

### همتستگی صنعتی؛ شکل‌گیری یک مدیریت شبکه‌ای

در مواجهه با بحران، یکی از مهم‌ترین تحولات، شکل‌گیری نوعی «مدیریت شبکه‌ای» میان بنگاه‌های اقتصادی بود. بسیاری از واحدهایی که آسیب مستقیم ندیده بودند، تلاش کردند با افزایش تولید یا تغییر سید محصولات، خلأ ایجاد شده در بازار را جبران کنند. این رفتار، فراتر از یک واکنش اقتصادی، نشان‌دهنده نوعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان فعالان صنعتی است.

صنایع غذایی، دارویی و بهداشتی در این میان نقشی حیاتی ایفا کردند. تداوم تولید در این بخش‌ها، نه تنها مانع از بروز کمبود کالاهای اساسی شد، بلکه به حفظ آرامش روانی جامعه نیز کمک کرد. در واقع، این صنایع به خط مقدم «امنیت اقتصادی» تبدیل شدند؛ جایی که هرگونه اختلال می‌توانست پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

از سوی دیگر، برگزاری جلسات مستمر میان مدیران صنعتی و تبادل تجربه‌ها، به تسریع فرآیند تصمیم‌گیری کمک کرد. این هماهنگی‌ها که اغلب خارج از چارچوب‌های رسمی و بوروکراتیک شکل گرفت، نشان داد که در شرایط بحران، انعطاف‌پذیری و سرعت عمل، اهمیت بیشتری از ساختارهای اداری دارد.

### اشتغال؛ خط قرمز بنگاه‌ها در شرایط جنگی

یکی از مهم‌ترین ابعاد تاب‌آوری صنعتی در این دوره، تلاش برای حفظ اشتغال بود. در حالی که بسیاری از واحدها با کاهش ظرفیت یا افزایش هزینه‌ها مواجه شدند، اولویت اصلی مدیران، جلوگیری از تعدیل نیرو بود. این تصمیم، علاوه بر ایجاد اجتماعی، از منظر اقتصادی نیز قابل تحلیل است.

از دست رفتن نیروی کار ماهر، می‌تواند فرآیند بازگشت به ظرفیت تولید پیشین را با چالش‌های جدی مواجه کند. به همین دلیل، بسیاری از بنگاه‌ها ترجیح دادند حتی با کاهش سود یا افزایش زیان کوتاه‌مدت، نیروی انسانی خود را حفظ کنند. این رویکرد، نشان‌دهنده درک عمیق فعالان صنعتی از اهمیت سرمایه انسانی در چرخه تولید است.

در عین حال، دولت نیز با طراحی بسته‌های حمایتی تلاش کرد این روند را تقویت کند. اعطای تسهیلات سرمایه در گردش با نرخ ترجیحی، مشروط به حفظ یا افزایش اشتغال، یکی از ابزارهایی بود که برای جلوگیری از بیکاری گسترده به کار گرفته شد. همچنین، اولویت‌بخشی به پرداخت حقوق کارکنان در تخصیص منابع، نشان‌دهنده تمرکز سیاست‌گذار بر حفظ ثبات اجتماعی در کنار ثبات اقتصادی است.

### سیاست‌گذاری در بحران؛ از حمایت مالی تا اختیارات ویژه

در شرایط جنگی، نقش دولت از یک ناظر صرف به یک مداخله‌گر فعال تغییر می‌کند. تجربه اخیر نیز نشان داد که بدون ورود مستقیم سیاست‌گذار، مدیریت بحران در سطح کلان امکان‌پذیر نیست. در این راستا، مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی برای پشتیبانی از واحدهای تولیدی به اجرا درآمد.

از جمله این اقدامات می‌توان به تسهیل در رفع مسدودی حساب‌ها، تعویق در بازپرداخت تعهدات مالی و ایجاد امکان خوداظهاری خسارت توسط بنگاه‌ها اشاره کرد. این سیاست‌ها، با هدف کاهش فشار نقدینگی بر واحدهای تولیدی طراحی شدند و تا حد زیادی توانستند از تشدید بحران جلوگیری کنند.

در سطحی کلان‌تر، اعطای اختیارات ویژه به نهادهای اقتصادی برای مدیریت بازار از طلا و نظام‌های پرداخت، به تثبیت نسبی فضای اقتصادی کمک کرد. این اقدامات نشان می‌دهد که در شرایط بحرانی، انعطاف در سیاست‌گذاری و فاصله گرفتن از رویه‌های معمول، می‌تواند به افزایش کارایی تصمیمات منجر شود.



# عقب‌نشینی اسرائیل در برابر ایران و حزب‌الله

## ایستادگی ایران جواب داد؛ ترامپ و اسرائیل مجبور به پذیرش آتش بس در لبنان شدند

### گزارش

انقلاب اسلامی در مورد آتش بس لبنان پیامی صادر کرد.

متن پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

مردم عزیز لبنان و منطقه می‌دانند پیروز میدان سرنوشت‌ساز حزب‌الله قهرمان است.

اگر آتش بسی انجام شود نتیجه ایستادگی باصلابت مقاومت لبنان و حمایت جمهوری اسلامی ایران است.

برخی به دنبال تحمیل ذلت به مردم باعزت لبنان هستند ولی ایستادگی حزب‌الله ثابت‌کننده هیبت متا الذلّه است.

تحقق این آتش بس بدون عقب‌نشینی مقاومت، دستاوردی راهبردی برای محور مقاومت و شکستی دیگر برای کابینه نتانیاهو محسوب می‌شود.

اسرائیل در تلاش بود علی‌رغم آتش بس در ایران، جنگ با لبنان را ادامه دهد و آمریکا نیز با نقض تعهد اولیه خود تلاش می‌کرد از این موضوع شانه خالی کند، اما ایران ایستاد و نهایتاً ترامپ و اسرائیل را مجبور به تمکین در این مسئله کرد. ایران بار دیگر نشان داد که بر مواضع اصولی خود می‌ایستد و مقاومت نتیجه می‌دهد.

### سردار احمدیان؛ با مقاومت مردم لبنان و حزب‌الله دشمن وادار به آتش بس شد

دریادار علی اکبر احمدیان نم‌آینده مقام معظم رهبری در شورای دفاع با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: مقاومت شجاعانه مردم لبنان و برادران حزب‌الله دشمن صهیونیستی را وادار به عقب‌نشینی و پذیرش آتش بس کرد. ایران همواره حمایت از مقاومت را یک اصل مهم راهبردی و دفاعی می‌داند. امروز به برکت خون شهدا و رهبر شهید، جبهه پیروز یکپارچه مقاومت از همیشه قدرتمندتر و استوارتر است.

### پیام سردار قاتی درباره آتش بس لبنان

سردار اسماعیل قاتی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران

سنگینی برای اسرائیل به همراه داشت، واقعیت جنگ تنها چند کیلومتر دورتر از حصار مرزی، یک شکست آشکار است و وظیفه دولت (کابینه) تضمین آماده کردن افراد در خطوط مقدم و دادن بالاترین اولویت به آنهاست.

«یائیر گولان» رئیس حزب به اصطلاح دموکرات رژیم صهیونیستی نیز توافق آتش بس در لبنان را گامی در مسیر درست توصیف کرد، اما در عین حال از کابینه این رژیم انتقاد کرد و گفت: «به

جای ابتکار عمل، دولت (کابینه)

به سمت اقداماتی کشیده می‌شود که فشار خارجی به آن تحمیل کرده است.»

وی افزود که این آتش بس، خیلی دیروبس از ماه‌ها رنج غیرضروری که ساکنان شمال متحمل شدند و تلفات قابل اجتناب سربازان، حاصل شد.

«یائیر لاپید» رهبر اپوزیسیون رژیم اسرائیل نیز ادعا کرد که «وعده‌های دولت (کابینه) بار دیگر در مواجهه با واقعیت پیچیده، عملی نشده است.»

گفته‌وی، پایان دادن به درگیری در لبنان تنها به یک نتیجه نیاز دارد و آن رفع دائمی تهدید علیه شهرک‌های شمال سرزمین‌های اشغالی فلسطین است.

### انصارالله؛ تلفات سنگین اسرائیل را مجبور به پذیرش آتش بس کرد

دفتر سیاسی جنبش انصارالله

یمن در بیانیه‌ای، پیروزی حزب‌الله بر «دشمن صهیونیستی» را «تاریخی» خواند و از حامیان مردمی مقاومت اسلامی که صبر کردند و تا تحقق پیروزی جانفشانی نمودند، تمجید کرد. در این بیانیه تأکید شده است که «دشمن صهیونیستی» شکستی ذلت‌بار متحمل شد، نتوانست به اهداف اعلام‌شده دست یابد و هیبتش در برابر ایثار و ایستادگی رزمندگان حزب‌الله در هم شکست.

به نوشته این بیانیه، تلفات سنگین جانی و تجهیزاتی، رژیم اسرائیل را مجبور به تسلیم و پذیرش آتش بس در لبنان کرده است.

دفتر سیاسی انصارالله این پیروزی تاریخی را یکی از «فترات بزرگ وحدت میدان‌ها» از فلسطین تا ایران، لبنان، یمن و عراق دانسته و تصریح کرده است که موضوع «محور جهاد و مقاومت» در این جنگ، زلزله‌افزین بود و پاسخ نظامی اش چنان کوبنده و فراتر از همه تصورات از کار درآمد که دشمنان را به آتش بس کامل در ایران و سایر جبهه‌ها وادار کرد. در پایان این بیانیه تأکید شده که پیروزی‌های بزرگ در این دور از درگیری با دشمن، ثابت می‌کند که «انتخاب مقاومت» راه درستی بوده و انتخاب تسلیم شدن، جز زیان و خواری نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت.

### اسرائیل در تلاش بود علی‌رغم آتش بس در ایران، جنگ با لبنان را ادامه دهد و آمریکا نیز با نقض تعهد اولیه خود تلاش می‌کرد از این موضوع شانه خالی کند، اما ایران ایستاد و نهایتاً ترامپ و اسرائیل را مجبور به تمکین در این مسئله کرد. ایران بار دیگر نشان داد که بر مواضع اصولی خود می‌ایستد و مقاومت نتیجه می‌دهد

## تنگه هرمز نبض انرژی، غذا و صنعت را هم‌زمان در دست گرفت

بر تولید گواشی‌های هوشمند، خودروها و تجهیزات صنعتی در سراسر جهان اثر می‌گذارد.

### جغرافیا علیه اقتصاد؛ چرا جایگزینی برای هرمز وجود ندارد؟

در واکنش به افزایش ریسک در تنگه هرمز، بسیاری از کشورها و شرکت‌ها به دنبال مسیرهای جایگزین بوده‌اند. اما واقعیت این است که جغرافیا، محدودیت‌های خود را به اقتصاد تحمیل می‌کند. مسیرهای جایگزین -از خطوط لوله گرفته تا مسیرهای دریایی دورتر- با ظرفیت کافی ندارند یا هزینه‌بر هستند یا از نظر امنیتی خود با چالش‌های جدی مواجه‌اند. به همین دلیل، وابستگی به هرمز در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

این وابستگی، به معنای آن است که هرگونه تنش سومین ضلع اثرگذار هرمز، به حوزه صنعت و تولیدات پیشرفته بازمی‌گردد؛ حوزه‌ای که کمتر در تحلیل‌های عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد. عبور مواد اولیه‌ای مانند آلومینیوم، فلزات گرانبها و مواد صنعتی خاص از این مسیر، نقش حیاتی آن را در زنجیره تولید جهانی نشان می‌دهد.

### هرمز به عنوان شاخص ریسک جهانی

آنچه امروز در تنگه هرمز جریان دارد، فراتر از یک بحران منطقه‌ای است. این آبراه به یک «شاخص ریسک جهانی» تبدیل شده که تغییرات آن می‌تواند جهت حرکت بازارهای بین‌المللی را تعیین کند. از انرژی تا غذا و از صنعت تا تجارت، همه به نوعی به این گلوگاه وابسته‌اند. در چنین شرایطی، هرگونه تحلیل از اقتصاد جهانی بدون در نظر گرفتن وضعیت هرمز ناقص خواهد بود.



### صنعت در تنگنا؛ وقتی مواد خام به موقع نمی‌رسند

سومین ضلع اثرگذار هرمز، به حوزه صنعت و تولیدات پیشرفته بازمی‌گردد؛ حوزه‌ای که کمتر در تحلیل‌های عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد. عبور مواد اولیه‌ای مانند آلومینیوم، فلزات گرانبها و مواد صنعتی خاص از این مسیر، نقش حیاتی آن را در زنجیره تولید جهانی نشان می‌دهد. اختلال در تأمین این مواد، به ویژه در صنایع حساس مانند الکترونیک، خودروسازی و هوافضا، می‌تواند باعث توقف یا کاهش ظرفیت تولید شود. در دنیای امروز که تولید بر پایه «زنجیره‌های تأمین بهینه» و حداقل موجودی انبار طراحی شده، حتی تاخیرهای کوتاه‌نیمه می‌تواند تبعات گسترده‌ای داشته باشد. به بیان ساده، اگر یک قطعه کوچک به موقع به خط تولید نرسد، کل یک کارخانه ممکن است از کار بایستد. این همان نقطه‌ای است که هرمز به طور غیرمستقیم

عبور بخش قابل توجهی از غلات، نهاده‌های دامی و کودهای شیمیایی از این مسیر، به این معناست که هرگونه اختلال در آن، مستقیماً به بازار غذا منتقل می‌شود.

افزایش زمان حمل، بالا رفتن هزینه‌های لجستیکی و کاهش پیش‌بینی‌پذیری در تحویل محموله‌ها، می‌تواند زنجیره تأمین غذا را دچار اختلال کند. نتیجه این روند، افزایش قیمت آرد، خوراک دام و در نهایت محصولات پروتئینی است؛ مسیری که در نهایت به سفره خانوارها ختم می‌شود.

در کشورهای در حال توسعه که سهم بالاتری در درآمد خنوار صرف غذا می‌شود، این فشار می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و حتی ناآرامی‌های اقتصادی منجر شود.

به همین دلیل، هرمز را نباید فقط یک گلوگاه انرژی، بلکه یک «سوچاپ امنیت غذایی» برای جهان دانست.

در هفته‌های اخیر، نشانه‌های این شوک به وضوح دیده شده است؛ از افزایش نرخ بیمه نفتکش‌ها گرفته تا رشد هزینه‌ها و تأخیر در تحویل محموله‌ها؛ این تحولات، نه فقط قیمت نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به طور غیرمستقیم هزینه تولید برق، حمل‌ونقل و صنایع انرژی‌بر را نیز افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، کشورهای که وابستگی بالایی به واردات انرژی دارند، بیش از دیگران آسیب‌پذیر می‌شوند. اقتصادهای آسیایی، به ویژه در شرق و جنوب آسیا، نخستین نقاطی هستند که اثر این بی‌ثباتی را در قالب افزایش هزینه‌های تولید و رشد تورم تجربه می‌کنند.

### هرمز؛ از مسیر انرژی تا موتور تورم جهانی

اهمیت تنگه هرمز را نمی‌توان بدون درک جایگاه آن در بازار انرژی توضیح داد. بر اساس برآوردهای موجود، حدود یک‌سوم نفت جهان و نزدیک به ۲۰ درصد گاز طبیعی از این مسیر عبور می‌کند. این ارقام به تنهایی نشان می‌دهد که هرگونه اختلال، هرچند موقتی می‌تواند بازارهای جهانی انرژی را دچار شوک کند.

خطرات کاهش یافته و امکان استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر خانگی و حتی کشت گلخانه‌ای کوچک برای هر خانوار فراهم می‌شود. علاوه بر این، چنین رویکردی تطابق عمیقی با «الگوی زیست ایرانی اسلامی» دارد که بر حریم خصوصی، پیوند با طبیعت، استقلال نسبی خانوار و آرامش روانی اعضای خانواده تاکید می‌کند.

**تمرکززدایی از شبکه انرژی**

بررسی ساختار صنعت برق ایران نشان می‌دهد که برخلاف برخی بخش‌های صنعتی، در حوزه تولید برق تمرکز افراطی کمتری وجود دارد. ظرفیت تولید برق کشور میان ده‌ها نیروگاه در نقاط مختلف جغرافیایی توزیع شده و حتی بزرگ‌ترین نیروگاه کشور نیز تنها سهم محدودی از کل ظرفیت شبکه را تأمین می‌کند. همین پراکندگی نسبی در تولید سبب شده که زیرساخت برق ایران در برابر تهدیدهای مستقیم، آسیب‌پذیری کمتری داشته باشد.

در روزهای اخیر نیز با وجود تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ مبنی بر هدف قرار دادن نیروگاه‌ها و قطع برق ایران، عملاً امکان وارد کردن آسیب گسترده به شبکه برق کشور فراهم نشد. دلیل اصلی این مسئله، همین ساختار نسبتاً غیرمتمرکز در تولید برق است که اجازه نمی‌دهد با از کار افتادن یک یا چند نیروگاه، کل شبکه دچار اختلال جدی شود.

با این حال، چالش اصلی همچنان در بخش «شبکه انتقال» و وابستگی آن به خطوط طولانی و پست‌های فشار قوی متمرکز است. آسیب به برخی کره‌های اصلی این شبکه می‌تواند موجب اختلالات منطقه‌ای در تأمین برق شود. از این رو در چارچوب رویکرد اقتصاد مقاومتی، گام بعدی باید حرکت به سمت تقویت «تولید پراکنده در محل مصرف» و توسعه ریزشبکه‌های انرژی باشد؛ مدلی که در آن شهرک‌های صنعتی، محلات شهری و حتی واحدهای مسکونی با استفاده از نیروگاه‌های مقیاس کوچک، سامانه‌های خورشیدی و تولید هم‌زمان برق و حرارت، بخشی از نیاز انرژی خود را به صورت مستقل تأمین می‌کنند. چنین ساختاری علاوه بر افزایش تاب‌آوری شبکه برق، وابستگی به شبکه انتقال متمرکز را نیز به تدریج کاهش خواهد داد.

**بازطراحی زنجیره تأمین و خودکفایی منطقه‌ای در امنیت غذایی**
یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی، تأمین امنیت غذایی پایدار است. در حال حاضر، وابستگی به چند بندر خاص برای واردات نهاده‌ها و کالاهای اساسی و همچنین تمرکز سیلوهای عظیم ذخیره غلات در نقاطی محدود، ریسک لجستیکی بالایی به همراه دارد.

برای مقابله با این نقطه ضعف، استراتژی امنیت غذایی باید به سمت تمرکززدایی و خودکفایی در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها حرکت کند. پراکندگی انبارها، احداث سیلوهای استراتژیک در مقیاس کوچک‌اماد تمام استان‌ها و تقویت زنجیره‌های تأمین بومی باعث می‌شود که در صورت قطع شدن شریان‌های حمل‌ونقل جاده‌ای یا ریلی، هیچ منطقه‌ای با بحران فوری تأمین نیازه‌ای اولیه مواجه نگردد.

بحران‌های منطقه‌ای تلنگری جدی هستند تا باور کنیم در قرن بیست و یکم، ستون‌های یک اقتصاد قدرتمند بر «پراکندگی، انعطاف‌پذیری و ساختار شبکه‌ای» استوار است. تلفیق هوشمندانه مزایای تولید کلان، بسا پایداری سیستم‌های خرد، دقیقاً همان چیزی است که می‌تواند دکنترین اقتصاد مقاومتی «را از یک مفهوم تئوریک، به یک سیر دفاعی و موتور محرک توسعه غیرقابل توقف برای اقتصاد ایران تبدیل کند.

### وضعیت تجارت ایران با کشورهای اسلامی

✎ در سال گذشته، واردات از کشورهای اسلامی حدود ۷ درصد رشد کرده است. هم‌زمان میزان صادرات ایران به ۵۶ کشور اسلامی ثبت شده است.

آمار تجارت ایران با کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در دوازده‌ماهه سال ۱۴۰۴، نشان‌دهنده کاهش چشمگیر ارزش دلاری واردات و افت نسبی صادرات در ارزش وزوز نسبت به مدت مشابه سال قبل است. براساس این گزارش، در سال ۱۴۰۴، از مجموع ۵۷ کشور عضو کنفرانس اسلامی، واردات از ۲۷ کشور ثبت شده‌است. ارزش دلاری واردات از این کشورها با کاهش ۲۲ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۳ مواجه شده و از ۳۸ میلیارد دلار به ۲۲ میلیارد دلار رسیده است. با این حال، وزن کل واردات از کشورهای اسلامی با رشد ۷ درصدی همراه بوده که نشان‌دهنده تغییر در ترکیب کالاهای وارداتی به سمت محصولات با ارزش کمتر است. در سوی دیگر، صادرات ایران به کشورهای مسلمان در سال ۱۴۰۴ به ۵۶ کشور انجام شده است. ارزش صادراتی ایران به این کشورها با ۱۴ درصد کاهش نسبت به سال قبل، از حدود ۳۶ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ به حدود ۳۳ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۴ رسیده است. همچنین وزن صادرات ایران به کشورهای اسلامی در سال ۱۴۰۴ حدود ۸۴ میلیون تن ثبت شده که نسبت به رقم ۹۰ میلیون تنی سال ۱۴۰۳، حاکی از کاهش ۶ درصدی است.

آمارها حاکی از آن است که با وجود کاهش ۲۲ درصدی ارزش واردات و همچنین کاهش ۸ درصدی ارزش صادرات، تراز تجاری ایران با کشورهای اسلامی همچنان مثبت باقی مانده و ارزش صادرات (۳۳ میلیارد دلار) از ارزش واردات (۲۲ میلیارد دلار) فراتر رفته است. با این حال، وزن صادرات نیز روند کاهش داشته، در حالی که وزن واردات افزایش یافته است. ثبت صادرات ایران به ۵۶ کشور عضو کنفرانس اسلامی در سال ۱۴۰۴، اگرچه با کاهش نسبی ارزشش وزوز همراه بوده اما از این لحاظ و گستردگی دیپلماتی تجاری جمهوری اسلامی ایران با جهان اسلام کماکیات دارد. این تعداد مقصد صادراتی نشان‌دهنده زیرساخت‌های ارتباطی نسبتاً گسترده‌ای است که می‌تواند بستری برای جهش تجاری در آینده باشد.

با این حال، وقوع جنگ ۴۰ روزه اخیر در منطقه و تغییرات ژئوپلیتیکی ناشی از آن، ضرورت تعمیق هرچه بیشتر روابط اقتصادی با کشورهای هم‌سو و مسلمان را دوچندان کرده است. در این میان، تجارت، نقش کلیدی و راهبردی ایفا می‌کند؛ چراکه نه فقط منافع اقتصادی متقابل را تضمین می‌نماید، بلکه پیوندهای سیاسی و فرهنگی را نیز مستحکم‌تر ساخته و کشورهای اسلامی را در برابر تهدیدهای مشترک مقاوم‌تر می‌کند.



# جنگ و فرصت اقتصاد مقاومتی برای گذار از تمرکزگرایی

## گزارش

### جعفر صارمی

بروزهنسنگر اقتصادی

✎ جنگ اخیر نشان داد آنچه سال‌ها به عنوان مزیت توسعه‌ای تلقی می‌شد، از تمرکز صنعتی و شهری تا وابستگی به شریان‌های محدود- در شرایط بحران می‌تواند به پاشنه آشیل اقتصاد تبدیل شود. اکنون، در میانه یک بیدارباش راهبردی، بازطراحی معماری اقتصاد ایران بر پایه «پراکندگی، شبکه‌اش شدن و تاب‌آوری» نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در پهنه تاریخ اقتصاد، هر بحران بزرگ و درگیری منطقه‌ای، فراتر از تهدیدات مقطعی، به مثابه یک آزمون سخت برای سنجش میزان تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی یک کشور عمل می‌کند. جنگ اخیر، بیش از هر زمان دیگری ضرورت بازنگری بنیادین در معماری اقتصاد و توسعه ایران را نمایان ساخته است. این شرایط، یک فرصت تاریخی و یک بیدارباش استراتژیک است تا سیاست‌گذاری‌ها به شکلی عملی و ملموس در راستای دکنترین «اقتصاد مقاومتی» بازتعریف شوند.

اقتصاد مقاومتی در ذات خود به معنای انزوا نیست، بلکه به معنای طراحی ساختاری است که در برابر تکانه‌های خارجی کمترین آسیب را ببیند و بالاترین انعطاف‌پذیری را برای بازسازی خود داشته باشد.

در ادبیات توسعه و اقتصاد، سال‌هاست که تقابل دو دیدگاه مهم مورد بحث است. جالب اینجاست که در تاریخ اندیشه‌های اقتصادی، نظریه‌پردازان هر دو ایده «بزرگ زیباست» (تاکید بر اقتصاد مقیاس، و تولید انبوه و مجتمع‌های عظیم) و «کوچک زیباست» (تاکید بر تمرکززدایی، بنگاه‌های خرد و توسعه محلی) توانسته‌اند به دلیل اثربخشی الگوهایشان در شرایط خاص،

## راز تداوم زنجیره تأمین کالاهای اساسی در جنگ ۴۰ روزه

✎ در جنگ ۴۰ روزه اخیر، تأمین به‌موقع و وفور کالاهای اساسی یک برگ برنده برای کشورمان محسوب می‌شد. در دوره جنگ تحمیلی اخیر که آمریکا و رژیم صهیونیستی به مدت ۴۰ روز کشورمان را هدف حملات گسترده قرار دادند، یکی از حساس‌ترین و در عین حال برجسته‌ترین نقاط تاب‌آوری اقتصادی، تأمین به‌موقع کالاهای اساسی مورد نیاز مردم بود. آنچه این دستاورد را به یک برگ برنده بدل می‌کند، این واقعیت است که در هیچ مقطعی از این نبرد تمام‌عیار، با کاهش عرضه کالاهای اساسی و اقلام معیشتی در فروشگاه‌ها مواجه نشدیم. اما این موفقیت حاصل چه اقداماتی بود؟ چه سازوکاری باعث شد چرخه تأمین در اوج تحریم و حملات، از کار نیفتد؟ پاسخ‌خ را باید در یک مجوز ساده اما راهبردی جست‌وجو کرد که وزارت اقتصاد دریافت نمود.

حذف موقت کد ساتا؛ تصمیمی که قفل بنادر را گشود
در شرایط جنگی، یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های تأمین کالا، فرآیند زمان‌بر دریافت کد ساتا (سامانه تأمین ارز) از بانک مرکزی بود. در شرایط عادی، هیچ کالایی بدون این کد قادر به ترخیص از گمرک نبود اما ستاد مدیریت بحران اقتصادی کشور با درک عمق فاجعه احتمالی، تصمیمی جسورانه اتخاذ کرد.

وزارت اقتصاد مجوزی دریافت کرد که بر اساس آن، واردکنندگان کالاهای اساسی امکان ترخیص و خروج کالاها را بدون دریافت کد ساتا از بانک مرکزی پیدا کردند. این تصمیم، قفل بنادر و گمرکات را یک‌باره گشود و زنجیره تأمین را از بن بست اداری نجات داد.

**رفع شکاف ارزی؛ فرصتی که فعالان اقتصادی از آن استفاده کردند**
تحلیل عمیق‌تر این ماجرا، ما را به یک واقعیت کلیدی دیگر هدایت می‌کند. در این میان، نرخ تأمین ارز بانک مرکزی برای کالاهای اساسی فاصله بسیار کمی با نرخ ارز بازار آزاد داشت. به عبارت دیگر، واردکنندگانی که موفق به ترخیص کالاهای خود می‌شدند، عملاً با ریزان ارزی مواجه نمی‌شدند. این شکاف قابل توجه، انگیزه‌ای قدرتمند برای فعالان اقتصادی ایجاد کرد تا با حداکثر سرعت نسبت به ترخیص کالاهای خود اقدام کنند. آنچه می‌توانست به عنوان یک تهدید تلقی شود- یعنی هجوم برای خروج کالا- در عمل به یک فرصت طلایی تبدیل گشت و موتور محرکه ترخیص بی‌سابقه کالاها از بنادر شد.

**رگود ترخیص ۱۰ هزار تن روز ثبت شد**

نتیجه این دو عامل –حذف کد ساتا و انگیزه فعالان اقتصادی

## افزایش قیمت تلفن همراه به بهانه عدم آغاز ثبت سفارش جدید



### افزایش قیمت تلفن همراه به بهانه عدم آغاز ثبت سفارش جدید

✎ در میانه جنگ تحمیلی شاهد افزایش بی‌ضابطه قیمت تلفن همراه به خصوص در سطح خرده‌فروشی هستیم. با وجود کاهش تقاضا، عدم آغاز ثبت سفارش برای سال جدید به بهانه جدید برای گران شدن قیمت‌ها تبدیل شده است.

در فروردین‌ماه امسال، بازار تلفن همراه کشور با جهش قیمتی قابل توجهی مواجه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ محاسباتی ارز مورد استفاده برای تعیین حقوق ورودی تلفن همراه، از حدود ۷۰ هزار تومان در سال گذشته به ۱۳۰ هزار تومان در روزهای اخیر افزایش یافته است. این به معنای دوبرابر شدن حقوق ورودی تلفن همراه است؛ عاملی که به تنهایی می‌تواند فشار زیادی بر قیمت تمام‌شده گوشی‌های وارداتی وارد کند و در نهایت مصرف‌کننده نهایی را تحت تأثیر قرار دهد. اما آنچه این جهش قیمتی را به پدیده‌ای پیچیده‌تر تبدیل می‌کند، این است که در این بازه زمانی، هیچ ثبت سفارش جدیدی برای واردات تلفن همراه صورت نگرفته و ترخیص جدیدی‌ای از گمرکات انجام نشده است. دلیل اصلی این وضعیت، تعطیلی فرودگاه امام خمینی (ره) و اختلال در مسیرهای هوایی در دوره جنگ ۴۰ روزه اخیر است. به عبارت دیگر، موج فعلی افزایش قیمت را نمی‌توان به ورود محموله‌های جدید یا تغییر در فرآیندهای ترخیص نسبت داد، بلکه ریشه این نوسانات را باید در جای دیگری جستجو کرد.

از سوی دیگر به نظری می‌رسد این خلأ در حلقه واردات، بهانه‌ای برای برخی فعالان بازار، به خصوص در سطح عرضه خرد شده تا با توجیه «عدم اطمینان از تأمین کالا در آینده»، قیمت‌های فعلی را افزایش دهند، در حالی که واقعیت انبارها چیز دیگری می‌گوید. در چنین شرایطی، ضروری است نهادهای نظارتی با بررسی میدانی و با استناد به گزارش‌های سامانه انبارها و کتابل‌های توزیع، نسبت به شناسایی موارد احتمالی احتکار یا عرضه قطره‌چکانی اقدام فوری انجام دهند. همچنین با به جریان افتادن ثبت سفارش‌های سال جدید و تعیین تکلیف ثبت سفارش‌های باقی‌مانده از سال قبل، می‌توان انتظار داشت بازار تلفن همراه طی هفته‌های آینده به شرایط عادی و منطقی برنرخ واقعی ارز بازگردد.

**ریشه‌های افزایش قیمت؛ از شوک ارزی تا انتظارات تورمی**

کارشناسان اقتصادی معتقدند آنچه این روزها در بازار تلفن همراه می‌گذرد، عمدتاً تحت تأثیر دو عامل کلیدی شکل گرفته است. نخست، شوک ناشی از افزایش نرخ ارز مرجع و تعدیل انتظارات فعالان بازار نسبت به آینده قیمت‌هاست. حتی اگر محموله‌ای وارد نشده باشد، فعالان بازار باید دیدن نرخ جدید محاسباتی، قیمت‌های موجودی انبارهای خود را بر اساس انتظارات تورمی جدید تعدیل می‌کنند، هرچند باید مشخص شود این اقدام تا چه اندازه قانونی است. دوم، التهاب روانی ناشی از جنگ و عدم قطعیت‌های اقتصادی نیز نقشی انکارناپذیر در این افزایش قیمت داشته است.

**بازار تلفن همراه کشور با جهش قیمتی قابل توجهی مواجه شده است، بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ محاسباتی ارز مورد استفاده برای تعیین حقوق ورودی تلفن همراه، از حدود ۷۰ هزار تومان در سال گذشته به ۱۳۰ هزار تومان در روزهای اخیر افزایش یافته است**

گفتنی است ساموسنگ نیز به عنوان یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان تلفن همراه در بازار ایران، برخی مدل‌های خود را افزایش داده است. بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، این شرکت کراهی از اول آوریل ۲۰۲۶ (۲۴ فروردین ۱۴۰۵) قیمت مدل‌های ۵۱۲ گیگابایت و یک ترابایت گوشی‌های تاشو و پرچمدار خود را افزایش داده است. علت این افزایش قیمت در سطح جهانی، دو عامل «تراشه‌تورمی» ناشی از افزایش قیمت حافظه‌های نیمه‌هادی و اختلالات لجستیکی ناشی از جنگ ایران عنوان شده است. این افزایش قیمت جهانی، به طور طبیعی بر قیمت تمام‌شده محصولات ساموسنگ در بازار ایران نیز اثر خواهد گذاشت و به موج افزایش قیمت‌های فعلی دامن می‌زند.

**سیاست ارزی جدید لایه و تأثیر آن بر بازار تلفن همراه**

برای درک عمیق‌تر این ماجرا، باید به سازوکار ارزی ایران توجه کرد. نظام ارزی کشور از چند لایه مختلف تشکیل شده است. توجه داشته باشیم که تلفن همراه از سال قبل بر اساس واردات از محل صادرات خود وارد کشور شده، این یعنی هیچ ارزی بابت واردات این کالا از منابع دولتی و تالر مبادله بانک مرکزی تخصیص نمی‌یابد و نرخ ارز تابع تحولات بازار آزاد است. حال آنکه در بازار آزاد ارز نیز در دو ماه اخیر هیچ گونه افزایش قیمتی نداشته‌ایم، نرخ ارز ثابت بوده است. این بدان معناست که افزایش قیمت‌ها هیچ ارتباطی با تحولات بازار آزاد ارز ندارد. با این اوصاف باید سطح عرضه یا دقت بیشتری تحت رصد باشد تا تا محل نارتاری عرضه و تقاضا شاهد تحمیل شوک‌های تورمی در این بازار پیش رو نباشیم.

**آینده بازار؛ انتظار برای بازگشایی مسیرهای وارداتی**

آنچه بازار تلفن همراه را در روزهای آینده تعیین خواهد کرد، عمدتاً به دو متغیر وابسته است. نخست، سرعت بازگشایی مسیر هوایی که تعیین می‌کند محموله‌های سرگردان چه زمانی به دست واردکنندگان برسد. دوم، سیاست‌های ارزی و گمرکی دولت در دوره پس‌اجنگ که مشخص خواهد کرد آیا ثبت سفارش‌ها به حالت عادی باز خواهد گشت و نرخ محاسباتی در همین سطح تثبیت می‌شود یا تعدیل خواهد شد. تا آن زمان، به نظری رسد بازار تلفن همراه به خصوص در سطح خرده‌فروشی در انتظار و التهاب باقی بماند و قیمت‌ها تحت تأثیر انتظارات تورمی و نه تحویل فیزیکی کالا، مسیر صعودی خود را ادامه دهد.

